

ماجرای پرون و رضاشاه به روایت حسین فردوست

۹ مرداد ۱۳۹۶ ساعت ۲۳:۱۴

چندی پس از بازگشت ولیعهد از سفر سویس جهت تحصیل، ارنست پرون نیز در تهران به او ملحق شد. رضاشاه با اکراه حضور پرون در ایران را پذیرفته بود و از او متنفر بود. قطعا رضاشاه که خود عامل انگلیس بود به این نکته پی برده بود که پرون عامل انگلستان در ایران است.

کافه تاریخ- تاریخ شفاهی

چندی پس از بازگشت ولیعهد از سفر سویس جهت تحصیل، ارنست پرون نیز در تهران به او ملحق شد. رضاشاه با اکراه حضور پرون در ایران را پذیرفته بود و از او متنفر بود. قطعا رضاشاه که خود عامل انگلیس بود به این نکته پی برده بود که پرون عامل انگلستان در ایران است. بنابراین با حضور او مخالف بود و تنها به واسطه اصرارهای زیاد ولیعهد بود که حاضر شده بود پرون را بپذیرد. شاهی که خود با حمایت و پشتوانه انگلستان کودتا کرده بود دوست نداشت توسط انگلیسیها مورد جاسوسی قرار گیرد. از این رو ماجرای رویاروی شاه، ولیعهد و ارنست پرون خود ماجرای عجیبی در کاخ سلطنتی بود:



«رضاخان علنا از پرون بدش می آمد. هر گاه به کاخ ولیعهد می آمد می پرسید که آیا این ارنست پرون در ساختمان است یا نه؟! اگر بود به ساختمان نمی آمد و نمی خواست با وی مواجه شود. یکبار به محمد رضا گفت: " اگر من پرون را در باغ نزدیک خودم ببینم طوری او را می زنم که جان سالم به در نبرد!" ولیعهد هم مسئله را به پرون گفت و او پاسخ داد که سعی می کنم طوری رفت و آمد کنم که از یکی دو کیلو متری شاه رد شوم! به هر حال، یکبار پرون اشتباه کرد و به محل قدم زدن رضا خان در کاخ سعد آباد نزدیک شد(محل قدم زدن رضا خان مشخص بود). خلاصه، پرون اشتباها به نزدیکی رضا خان رسید و شاه او را دید و با عصا دنبالش کرد. پرون نیز که جوان بود از لای درخت ها فرار کرد و جان سالم به در برد!»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۱۲۱/ماجرایی-پرونی-شاه-رضا-پرونی-ماجرایی>